

Identity and neutralism in Oman's foreign policy in the Middle East

Mohammad Nasirzadeh; Graduated from the Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

Farideh Mohammad Alipour; Assistant Professor, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 18/05/2021

Acceptance: 28/07/2021

Abstract

There are significant differences between Oman's foreign policy compared to other Persian Gulf Arab states, and Omani politicians have demonstrated a unique foreign policy in addressing the challenges of the Middle East. In the Iraq-Iran war, Oman's political leaders, unlike other Persian Gulf states, did not line up to support Iraq and sought to maintain relations with both sides in the war. After the challenge in the relations between Iran and Saudi Arabia, this country has maintained its relations with other Arab countries on the Persian Gulf at the level of diplomatic relations. Unlike most countries in the Persian Gulf region, Oman not only did not call for a diplomatic embargo on Egypt after the Camp David Accords, but also tried to pave the way for its return to the Arab world. After the so-called Arab Spring upheavals and the diplomatic crisis in relations between Saudi Arabia and Qatar, Oman has not only opposed the Qatar embargo, but has also tried to end the crisis while maintaining relations with both sides. One of the most important factors that has caused Oman to behave differently in foreign policy compared to other Persian Gulf

countries is its identity. Because the identity of countries has an important role in the foreign policy of countries. Accordingly, this study examines the question of how identity has affected Oman's foreign policy?. Examines the hypothesis that Omani identity has influenced the country's foreign policy by accepting pluralism and has led to a neutral and mediated approach.

Among the concepts that are selected as focal concepts in foreign policy, the concept of identity has a special place. In a general definition, identity refers to the distinctiveness of an actor. To understand the behavior of different actors, including countries, one can obtain valuable information by focusing on the identity of the actor. Because identity is the motivating factor for international actors. To determine how identity affects the foreign policy of countries, the value approach can be used as a framework for action, The three components of value, priority and foreign policy actions are the most important focal concepts of this analytical approach. In this approach, in order to explain the causal actions, priority is placed between values and foreign policy actions. In other words, value determines the priority of a particular action in foreign policy. The value perceived by decision makers leads them to choose a particular priority in foreign policy.

Oman has the majority of Ibadi religion. Ibadia has full tolerance towards other religions, cultures and even other sections within Islam as a strong pillar in its spiritual, moral and cultural orientations. Accordingly, the Ibadiyya religion helped create a culture of tolerance and social cohesion in Oman. Oman's identity has facilitated many diplomatic initiatives and mediation, and identity diversity has provided the potential for the country to play a mediating role in regional crises.

هویت و بی طرفی در سیاست خارجی عمان در خاورمیانه

مقاله پژوهشی

محمد نصیرزاده؛ دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)^۱
فریده محمد علی پور؛ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران
دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸
پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۰۶
صص: ۱۷۶-۱۴۹

۱. چکیده

سیاست خارجی عمان در مواجهه با موضوعات مختلف منطقه‌ای در خاورمیانه از الگوی رفتاری دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس متمایز است. رویکرد این کشور در قبال ایران، برخورد متمایز تاریخی با مسئله اعراب و اسرائیل و بحران دیپلماتیک قطر، مواردی هستند که عمان در برخورد با آنها نوعی استقلال رفتاری از خود نشان داده و سیاست خارجی متمایزی را پیگیری کرده است. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که سبب تکوین این الگوی رفتاری شده است، بستر اجتماعی منحصر به فرد عمان و هویتی است که در این بستر اجتماعی قوام یافته و به عنوان یک ارزش سبب انتخاب الگوی رفتاری خاص شده است. بر این اساس، در این پژوهش در پاسخ به پرسش چگونگی تأثیرگذاری هویت بر سیاست خارجی عمان، این فرضیه را بررسی می‌کنیم که هویت عمان با پذیرش تکثرگرایی بر سیاست خارجی این کشور تأثیر گذاشته و منجر به کارگرفتن رویکرد بی طرفی و میانجیگری شده است. در این پژوهش با استفاده از نظریه سازه‌نگاری به این نتیجه رسیدیم که تکثرگرایی ناشی از تساهل دینی، زبانی و قومیتی به عنوان متغیر مداخله‌گر از جزم‌گرایی عمان در عرصه سیاست خارجی جلوگیری کرده و موجب رویکرد بی طرفی در برخورد با مسائل مختلف منطقه شده است.
کلیدواژه‌ها: بی طرفی، خاورمیانه، سیاست خارجی، عمان، هویت.

1. m.nasirzadeh2019@gmail.com

۲. مقدمه

کشور عمان تا سال ۱۹۷۰ و به قدرت رسیدن سلطان قابوس (۱۹۴۰-۲۰۲۰) سیاست خارجی دولتی نداشت. با روی کار آمدن سلطان قابوس، اصول مشخصی در سیاست خارجی این کشور وضع شد که پس از او و با شروع حکومت هیشم بن طارق آل سعید نیز تداوم یافت. سیاست خارجی این کشور در قبال تحولات گوناگون خاورمیانه همواره مورد توجه اندیشمندان روابط بین‌الملل بوده است، زیرا در قیاس با دیگر کشورهای عرب خلیج فارس تفاوت چشمگیری داشته است و سیاست‌مداران عمانی در مواجهه با چالش‌های خاورمیانه، سیاست خارجی متمایزی را در پیش گرفته‌اند.

در جنگ عراق علیه ایران، رهبری سیاسی عمان برخلاف دیگر کشورهای عربی خلیج فارس در صف حمایت از عراق قرار نگرفت و کوشید روابط خود را با دوطرف درگیر حفظ کند. پس از پایان جنگ، نشست کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در عمان و بیانیه پایانی آن، طلیعه بهبود روابط میان ایران و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس محسوب شد. با وجود وقایع متعدد در روابط ایران با کشورهای عربی خلیج فارس و در روابط برخی کشورهای عربی منطقه، عمان موضع بی‌طرفانه خود را حفظ کرده است. این کشور پس از تیرگی روابط سیاسی قطر با بحرین، عربستان سعودی و امارات در سال ۲۰۱۴، چالش در روابط ایران و عربستان پس از اعدام شیخ نمر باقر النمر (۱۹۵۹ - ۲۰۱۶) و قطع روابط دیپلماتیک عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی و مصر با قطر در سال ۲۰۱۷، روابط دیپلماتیک خود را با دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس حفظ کرده است.

الگوی متمایز رفتاری عمان در عرصه سیاست خارجی محدود به روابط با ایران نبوده است، بلکه در یکی از حساس‌ترین موضوعات برای کشورهای عربی یعنی مسئله صلح با اسرائیل نیز سیاست خارجی متفاوتی را به نمایش گذاشته است. عمان برخلاف بیشتر کشورهای منطقه خلیج فارس نه تنها پس از پیمان کمپ‌دیوید (۱۹۷۸) خواستار تحریم دیپلماتیک مصر نبوده است، بلکه تلاش کرده است تا زمینه بازگشت آن به جمع کشورهای عربی را نیز فراهم آورد. این کشور در برخورد با اسرائیل از سیاست دیگر کشورهای خلیج فارس تا زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰) پیروی نکرد و در دوره‌های مختلف برای ایجاد و بهبود روابط با اسرائیل تلاش کرده است.

عمان پس از تحولات موسوم به بهار عربی و بحران دیپلماتیک در روابط میان عربستان و قطر با تحریم قطر مخالفت کرد و ضمن حفظ روابط خود با همه طرف‌های درگیر، برای خاتمه‌دادن به بحران کوشید. تکوین الگوی رفتاری متمایز عمان در عرصه دیپلماتیک همانند هر پدیده دیگری مربوط به جایگاه علوم انسانی جدا از عوامل مؤثر نبوده است، بنابراین می‌توان آن را به‌عنوان موضوعی مطالعاتی واکاوی کرد. بر این اساس، در این پژوهش ضمن پاسخ به این پرسش که چگونه هویت بر سیاست خارجی عمان تأثیر گذاشته است؟ این فرضیه را بررسی می‌کنیم که هویت عمانی با پذیرش تکثرگرایی بر سیاست خارجی این کشور تأثیر گذاشته است و منجر به به‌کارگرفتن رویکرد بی‌طرفی و میانجیگری شده است. این فرضیه را با استفاده از نظریه سازه‌نگاری بررسی می‌کنیم.

۳. چارچوب نظری: سازه‌نگاری

مفهوم هویت در میان مفاهیم مؤثر در سیاست خارجی کشورها با ارتباط یافتن با وجه تمایز یک کنشگر، جایگاه ویژه‌ای دارد (Jepperson & Wendt, 1996: 59). نظریه هویت اجتماعی یکی از نگرش‌های مهم در مورد هویت است که می‌توان آن را به‌عنوان خودپنداره افراد تعریف کرد که از آگاهی در مورد عضویت در یک گروه اجتماعی همراه با ارزش‌ها و تعلق‌های عاطفی مربوط به آن عضویت ناشی می‌شود. (Tajfel, 1981: 225) افراد با عضویت در گروه خود را تعریف می‌کنند و برای حفظ هویت مثبت و افزایش عزت نفس خود از راه ارتباط با یک گروه با ارزش مثبت یا مقایسه با گروه بیرونی تلاش می‌کنند (Smurda, Wittig & Gokalp, 2006: 92). هویت دینی در شکل‌گیری هویت اجتماعی از مهم‌ترین عناصر محسوب می‌شود (Liu & Turner, 2018: 1083)، زیرا دین، زمینه‌ای را برای پذیرش شیوه زندگی خاص و عضویت در گروهی خاص و از این راه ایجاد تمایز میان خود و دیگری ایجاد می‌کند (Hammond, 1988: 9). اهمیت دین در هویت‌یابی در کشورهای خاورمیانه مانند عمان بسیار زیاد است، زیرا انتخاب دین ترجیحات خاصی را نشان می‌دهد و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات مشترک را ایجاد می‌کند. دین، عنصر کانونی هویت‌یابی در کشورهای خاورمیانه و کانون وفاداری است. (Lewis, 1998: 20) برای مسلمانان، هویت دینی آن‌ها مهم است، زیرا وابستگی به دین را به‌عنوان مهم‌ترین جنبه هویت خودی درک می‌کنند (Basit, 2009: 734) و دین را به‌عنوان منبع الهام‌بخش هویت قرار می‌دهند (Dziekan, 2008: 14).

با توجه به اهمیت هویت جمعی می‌توان گفت هویت، مرجع توضیح‌دهنده رفتار یک فرد خاص یا دولت است (Sen, 2007:18) و برای شناخت رفتار بازیگران مختلف از جمله کشورها می‌توان با تمرکز بر هویت بازیگر، اطلاعات ارزشمندی به دست آورد (Rutherford, 1990: 26)، چون هویت برانگیزاننده رفتاری بازیگران بین‌المللی است. (Wendt, 1999: 224) بسیاری از آثار تألیف‌شده در زمینه هویت و سیاست خارجی به جای جست‌وجوی رابطه علیت مستقیم بین هویت و اقدام سیاست خارجی، به مفهوم منافع روی می‌آورند و استدلال خود را در رابطه با منافع قرار می‌دهند. برای نمونه، جفرسون و همکاران معتقدند که هویت منافع را ایجاد می‌کند، زیرا تا زمانی که بازیگران ندانند چه چیزی را نمایندگی می‌کنند، نمی‌توانند درکی از منافع خود داشته باشند (Jepperson et al, 1996). یعنی پیگیری منافع ویژه، به معنای داشتن هویتی خاص است (Kubálková, 2001; Hopf, 2002:16; Brysk, Craig & Wayne, 2002: 269). استفاده از مفهوم منافع برای تشریح چگونگی عملکرد هویت ممکن است (Barnett, 1999: 6). استدلالی قانع‌کننده به نظر برسد، اما با توجه به ماهیت متنوع مفهوم منافع (Bloom, 1993:83)، می‌تواند برای تجزیه و تحلیل‌های تجربی در مواقعی مشکل‌ساز باشد که اقدام واقعی در سیاست خارجی اعمال می‌شود (Carlsnaes, 1987: 66). با وجود اتکای اندیشمندان روابط بین‌الملل به مفهوم منافع در تشریح چگونگی تأثیر هویت بر سیاست خارجی، روان‌شناسان اجتماعی با تمرکز بر نقش هویت در عمل انسان، تلاش زیادی برای تبیین دقیق شیوه عملکرد هویت به عنوان منبع رفتار کرده‌اند. در بین این اندیشمندان به طور کلی پذیرفته شده است که هویت دستور عمل‌هایی برای رفتار انسانی دارد و به نوعی فرایند اقدام انسانی را کنترل می‌کند (McCall & Simmons, 1966: 8). هویت مانند کانونی برای تفسیر و بیان معنای کنش‌ها، سبب ایجاد انگیزه برای یک بازیگر می‌شود، بنابراین برای مشخص کردن شیوه تأثیر هویت در سیاست خارجی کشورها می‌توان از رویکرد ارزش به عنوان چارچوب اقدام بهره جست؛ این رویکرد با تلفیق برخی از عناصر اصلی مدلی به وجود آمده است که والتر کارلسنایس به وسیله آن علت اقدامات در فلسفه علوم اجتماعی را تبیین می‌کند (Carl- (snaes, 1987: 192). سه مؤلفه ارزش، اولویت و اقدامات سیاست خارجی، مهم‌ترین مفاهیم کانونی این رویکرد تحلیلی هستند.

در این رویکرد برای تبیین علی، اولویت بین ارزش و اقدامات سیاست خارجی قرار می‌گیرد. به بیانی دیگر ارزش، اولویت یک اقدام خاص را تعیین می‌کند. ارزشی که تصمیم‌گیرندگان درک می‌کنند، آن‌ها را به سمت برگزیدن اولویتی خاص در سیاست خارجی سوق می‌دهد. بر این اساس، اقدامات کشورهای مختلف در سیاست خارجی برای تحقق اولویت خاصی انجام می‌شود که سیاست‌گذاران درک می‌کنند. تصویری از هویت دولت، ارزش خاصی برای سیاست‌گذاران فراهم می‌کند که اولویت سیاست خارجی دولت را تعریف کنند (Billig, 1995: 24) & Turner, 1968: 100-101. در ادامه با بهره‌گیری از سه مؤلفه ارزش، اولویت و اقدامات، هویت و بی‌طرفی سیاست خارجی عمان را تحلیل می‌کنیم.

۴. روش پژوهش

در پژوهش حاضر در راستای آزمون فرضیه و رسیدن به پاسخ پرسش از روش پژوهش تکوینی - تبیینی استفاده می‌کنیم. جزء اول روش پژوهش به بررسی فرایند تکوین رابطه بین متغیر مستقل، هویت عمان با متغیر وابسته، سیاست خارجی این کشور اشاره دارد که در جزء دوم نتیجه این رابطه و به‌کارگرفتن رویکرد بی‌طرفی و میانجیگری تبیین می‌شود. برای گردآوری داده‌ها از مقالات علمی در مجله‌های معتبر، کتاب و منابع اینترنتی استفاده کرده‌ایم.

۵. پیشینه پژوهش

هلال (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «سلطنت سیاست خارجی عمان: عمل‌گرا اما اخلاقی» معتقد است که سیاست خارجی عمل‌گرایانه عمان با پیوند میان آرمان‌ها و منافع ملی، امنیت و ثبات را برای این کشور به همراه داشته است. بسوس و ماشنی (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «استراتژی دیپلماسی عمان: ابزار مانور برای مواجهه با چالش‌های منطقه‌ای» عمل‌گرایی و اعتدال در سیاست خارجی عمان در انواع دیپلماسی این کشور همانند دیپلماسی میانجی‌گرایانه و اقتصادی را واکاوی کرده‌اند. اسماعیلی (۲۰۱۸) در مقاله‌ای با عنوان «کثرت‌گرایی قومی، زبانی و مذهبی در عمان: پیوند با ثبات سیاسی» رابطه میان تکثرگرایی در عمان و نقش آن در ثبات داخلی این کشور را بیان می‌کند. ذوالفقاری، نصیرزاده و امامی (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر دیپلماسی میانجیگری عمان بر نظام امنیتی خاورمیانه، نقش دیپلماسی میانجی‌گرایانه»

عمان در ترتیبات امنیتی خاورمیانه و تأثیر آن بر نظام امنیتی خاورمیانه را بررسی کرده‌اند. آن‌ها همانند دیگر پژوهش‌های انجام‌شده در مورد سیاست خارجی عمان، نقش هویت در سیاست خارجی این کشور را نادیده گرفته‌اند. در این پژوهش می‌خواهیم با تحلیلی منسجم، نقش هویت و به‌ویژه هویت مذهب بر سیاست خارجی عمان را واکاوی و این خلأ پژوهشی را رفع کنیم.

۶. مؤلفه‌های هویتی مذهبی عمان و ارزش‌های سیاست خارجی

درک مؤلفه‌های هویتی عمان ابعاد ژرفی از سیاست خارجی این کشور در خاورمیانه را در اختیار می‌گذارد، چرا که سیاست خارجی این کشور بیش از همه متأثر از عناصری است که سازه هویتی این کشور را تشکیل می‌دهند. بنابر اصل اول قانون اساسی عمان، دولت اسلامی و اسلام، اساس قانون‌گذاری این کشور است (Oman's Constitution, 1996). عمان از نظر مذهبی برخلاف دیگر کشورهای خلیج فارس که اهل تشیع و تسنن در آن اکثریت دارند دارای اکثریت مذهب اباضیه است (Embassy of the Islamic Republic of Iran, 2020). اباضیه، انشعاب‌یافته خوارج هستند (John, 2010: 136). اباضیه از لحاظ فقهی به اهل سنت و از لحاظ تقلید به تشیع نزدیک است (Zeyae, 2018: 42-53). مذهب اباضیه در توحید، عدل، ایمان و کفر به شیعیان نزدیک است. محکوم کردن برپاکندگان جنگ جمل نیز از تفاوت‌های اباضیه با مذهب اهل سنت است (Hoffman, 2015: 299). مذهب اباضیه در جهان عرب در اقلیت است و اعراب منطقه خاورمیانه نیز به مذهب اباضیه نگاه مثبتی ندارند (Lewicki, 1971: 24). در دوره عباسی، سرزمین عمان به تدریج رهبران اباضی فراری از عباسیان را جذب کرد. در نتیجه، عمان به پناهگاه اباضیان فراری از ظلم مقامات عباسی تبدیل شد و مفهوم میهن به تدریج در میان عمانی‌ها شکل گرفت (Ghubash, 2006: 26). در سال‌های مبارزه بین اباضیان و عباسیان، اباضیه به نمادی از استقلال در این منطقه تبدیل شد (Valeri, 2009: 32) و در الگوهای رفتاری و دیدگاه‌هایی درباره جهان تجلی یافت (Al-Yahyai, 2013: 23). این هویت ملی مستقل عمانی در قالب نمودهایی همانند لباس، هنر و مانند آن نمود یافته است. لباس، شکلی از ارتباط غیرکلامی است که در درون سیستمی از نمادها کار می‌کند. بر این اساس، اصطلاح لباس معنایی فرهنگی یافته است و به یکی از مقوله‌های فرهنگی تبدیل می‌شود (Higgins & Eicher, 1992: 4).

کارکرد فرهنگی لباس برای شهروندان کشورهای عرب خلیج فارس بسیار مهم‌تر از دیگر کشورهای خاورمیانه بوده است (Billig, 1995: 8-9). پوشش لباس مردان عمانی را می‌توان از نمودهای هویت ملی مستقل در این کشور دانست (Eickelman, 1984: 127). لباس ملی عمان، عمانی‌ها را از دیگر شهروندان عرب خلیج فارس متمایز می‌کند (Martinez, 2019). تداوم سبک لباس مردان عمانی در طول قرن‌های گذشته، نشان می‌دهد که پوشش مردان از راه‌هایی است که هویت عمانی با آن از نسلی به نسلی دیگر به ارث رسیده است و حفظ می‌شود (Dawn & John, 2001:12). از آغاز جنبش هنرهای زیبا در عمان، هنرمندان عمانی تمایل داشتند از نمادهای هویت عمان در کارهای خود استفاده کنند. این امر نشان‌دهنده آگاهی هنرمندان از میراث مستقلی است که هویت منحصر به فرد عمانی برجای گذاشته است (Al-Yahyai, 2017: 57). سیاست‌مداران عمانی به‌ویژه سلطان قابوس نیز همیشه در محافل و مجالس رسمی بین‌المللی از لهجه و لباس محلی استفاده می‌کنند. این امر تأکیدی بر عمانی بودن و فرهنگ متفاوت این کشور و مستقل بودن عمان در مقابل جریان عرب‌گرایی است (Valeri, 2007). یکی از مهم‌ترین ابعاد مذهب اباضیه تساهل و نگرشی است که نسبت به شیعیان و اهل سنت دارند. اباضیه، تسامح کامل نسبت به دیگر ادیان و فرقه‌های اسلامی را به‌عنوان ستونی مستحکم در جهت‌گیری‌های معنوی، اخلاقی و فرهنگی خود دارد (Jones, 2014: 5). مسجد جامع سلطان قابوس، بزرگ‌ترین مسجد عمان، اجازه ورود غیرمسلمانان برای عبادت را می‌دهد. علاوه بر این، معماری این مسجد نمادهایی از مذاهب اباضیه، سنی و شیعه دارد که تعهد عمان به کثرت مذهبی را برجسته می‌کند. متأثر از مذهب اباضیه، عمان، جامعه داخلی صلح‌آمیزی را ایجاد کرده است که کاملاً متفاوت از دیگر کشورهای خاورمیانه است. تساهل‌گرایی متأثر از مذهب اباضیه سبب شده است پیچیدگی هویت اجتماعی افزایش یابد (Brewer, 2001: 32; Hewstone, Rubin, & Willis, 2002). به گفته وزیر میراث و فرهنگ عمان، اباضیه، فرهنگ تحمل را در عمان پرورش داده است (Sherwood, 2017:8; Bhacker, 2003:23). متأثر از مذهب اباضیه، عمان در برابر فرقه‌گرایی و تحمل‌ناپذیری مذهبی و خشونت مصون است (Szalai, 2018: 18). با اتکا به این تساهل زمانی که کشورهای عربی خلیج فارس خواستند هویت ملی نوینی را به‌وجود آورند (Luciani, 1988)، سلطان قابوس عامل تساهل موجود در مذهب اباضیه را با هویت نوین ملی

پس از دوران رنسانس ترکیب و گذشته را در قالب هویت ملی نوین برسازی کرد. در نتیجه، دین اثربخشی خود را به عنوان مؤلفه‌ای فرهنگی مرتبط با هویت سیاسی و تاریخی اعمال کرد (Pe-terson, 2004). تساهل مذهبی از دیرباز ذهنیت مردم عمان را روشن، افق دید آن‌ها را گسترده و این کشور را به مکانی برای تعاملات مسالمت‌آمیز تبدیل کرده بود. این ویژگی‌هایی است که «عمان معاصر را توانا ساخت تا با هدایت رهبر توانا و مصمم پسر وفادار عمان، سلطان قابوس بن سعید، در جهت دستیابی به اهداف فرخنده رنسانس گام بردارد» (Al-Said, 1992: 8). سلطان قابوس تلاش می‌کرد مردم عمان را هم‌زمان با وابستگی خویشاوندی و قومی به هویت ملی وابسته کند. به این ترتیب، سلطان قابوس تلاش با ساختن یک هویت ملی، مشروعیت حکومت خود را بر پایه هویت ملی بنا نهاد (Valeri, 2007: 482). در دوره رنسانس عمان ایجاد نهادهای دولتی مدرن، از جمله شورای اجرایی وزیران و پارلمان به‌گونه‌ای طراحی شده بود که هویت‌های فروملی را حفظ کند (Valeri, 2009: 32). سلطان قابوس پس از به قدرت رسیدن در راستای ایجاد هویت ملی نوین، به جای تلاش برای نابودی هویت‌های فروملی، همانند ملی‌گرایان عرب در دهه ۱۹۶۰ کوشید تا هویت ملی را در کنار حفظ هویت فروملی سامان دهد. بر این اساس، این دیدگاه، ظفاری‌ها را که به مدت یک دهه با قدرت حکومت مرکزی جنگیده بودند، به سرعت در دستگاه دیوانی این کشور جذب کرد. یکی دیگر از اقدامات سیاست‌گذاران عمانی برای به‌رسمیت‌شناختن مسئله هویت‌های فروملی، تصمیم برای اضافه کردن پسوند قومی برای شناسنامه افراد وابسته به گروه‌های هویتی خرد ملی همانند بحرانی، بلوچی و لواتی^۱ بود. با این تصمیم، گروه‌های هویتی که هویت خود را براساس هویت عربی تعریف نمی‌کردند خود را در ذیل هویت کلان عمانی براساس هویت فروملی قرار می‌دادند (Valeri, 2010: 262). در این شرایط، اگر رقابتی بر سر هویت در کشور عمان وجود داشته باشد مربوط به این است چه کسی می‌تواند بیشتر عمانی باشد. تحت تأثیر تساهل به‌عنوان عنصری هویت‌بخش در عمان، لواتی‌ها به‌عنوان پیروان مذهب شیعه، مکان‌های مذهبی خاص خود را دارند که جدا از مکان‌های مذهبی اهل سنت و اباضیه است. شیعیان در امور مذهبی از آزادی عمل در خور توجهی برخوردار هستند (Al-Ismaili, 2018: 63). برخی از موفق‌ترین بازرگانان عمان از اعضای اقلیت لواتی

1. Lawati

هستند که بزرگ‌ترین جامعه شیعه کشور عمان را تشکیل می‌دهند (Valeri, 2015: 267-277). به شیعیان از جمله خانواده با نفوذ لواتی‌ها، اجازه داده شد که در بخش تجاری عمان جایگاه مهمی را به دست آورند (Peterson, 2004 a: 129). مهاجران زنگباری، فرزندان قبایل عرب عمانی که در قرن‌های گذشته به کشورهای دیگر مهاجرت کرده و پس از به قدرت رسیدن سلطان قابوس به این کشور بازگشته بودند از نظر مذهبی پیرو مذهب اباضی هستند (Kharusi, 2013: 238) و پس از به قدرت رسیدن سلطان قابوس پست‌های مهم سیاسی عمان را در دست گرفتند. همچنین با وجود پیروی بلوچی‌ها از اهل سنت، آن‌ها توانسته‌اند با پیروان مذهب اباضیه ادغام شوند. همچنین بسیاری از بلوچ‌ها به مذهب تشیع گرویده‌اند. بلوچ‌ها بزرگ‌ترین اقلیت غیر عرب با صحبت کردن به زبان هندی-ایرانی هستند. آن‌ها در مساجد اباضیه نماز می‌خوانند (Goldsmith, 2015). بلوچ‌ها به‌ویژه کسانی که در مناطق ساحلی عمان زندگی می‌کنند، هنجارها و آداب و رسوم اجتماعی خود را تا حدود زیادی حفظ کرده‌اند. به همین ترتیب، شخصیت فرهنگی مستقل بلوچ‌ها از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده است (Al-Ismaili, 2018: 59). عمان، کثرت‌گرایی مذهبی خود را بدون درگیری مذهبی فرقه‌ای حفظ کرد. آخرین درگیری داخلی در این کشور از اواخر دهه ۱۹۵۰ تا میانه دهه ۱۹۷۰ امکان تبدیل شدن به نزاع دینی را داشت، اما نزاعی داخلی میان اباضیان و مربوط به مسئله حقانیت پادشاهی بود که در حمایت بریتانیا قرار داشت. بر همین اساس، قیام پیروان سنی مذهب در سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ در جنوب این کشور نیز بیشتر مربوط به ایدئولوژی ضد امپریالیستی و سوسیالیستی بود و در هیچ مرحله‌ای به درگیری مذهبی نینجامید. شناخت، آشنایی و پذیرش دیگران، سه اصل مهم و اساسی تعامل اجتماعی در عمان است. تساهل مذهبی به ایجاد تعادل سیاسی و فکری در جامعه عمان کمک کرده است. بنابراین هویت متکثر سبب ایجاد فرهنگ سیاسی و اجتماعی متعادل در این کشور شده است (Goldsmith, 2015). تحت تأثیر تساهل برگرفته از مذهب اباضی، با وجود اینکه در اصل سه قانون اساسی عمان آمده است، «(زبان رسمی حکومت عمان زبان عربی است)» (Oman's Constitution, ۱۹۹۶) و پیوستن سلطان‌نشین عمان به اتحادیه کشورهای عربی یک سال پس از سلطنت سلطان قابوس نشان از گرایش این کشور به نزدیکی هویتی با دیگر کشورهای عربی دارد (Al-Basoos, Mohammed-Ali & Al-Hasni, 2020: 9). به دلیل حاکم بودن تساهل بر هویت اجتماعی در این کشور، عمان به کشوری با تنوع زبانی در میان کشورهای

حاشیه خلیج فارس مشهور است (Al-Jahdhami, 51: 2017). بسیاری از عمانی‌ها هم‌زمان به زبان قومی خود و زبان رسمی کشور تسلط دارند (Amel & Nafla, 2012: 39). برخی از عمانی‌ها، زبان‌هایی مانند جبالی و مه‌ری را که امروزه فهم‌پذیر نیست هنوز حفظ کرده‌اند (Shehri, 2006). تکوین هویت عربی کشور عمان در بستر دینی سبب شده است تا سیاست‌مداران، رویکردی متفاوت از دیگر کشورهای عربی خلیج فارس نسبت به جهان عرب داشته باشند.

۷. اولویت سیاست خارجی عمان

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سیاست خارجی عمان، پویایی اجتماعی و سیاسی داخلی متأثر از تساهل اجتماعی آن است (Neubauer, 2016). پس از تشکیل دولت مدرن عمان، تحت تأثیر تساهل ناشی از هویت دینی در این کشور سلطان قابوس روش ویژه‌ای را در سیاست خارجی تعیین کرد که عمان را از دیگر کشورهای منطقه متمایز و به این کشور توانایی خاصی برای دورماندن از اردوگاه طرفدار یا ضد دیگر بازیگران می‌داد (Lefebvre, 2009: 109). همچنین عمان را به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای به‌جای یک رقیب در منطقه خلیج فارس با پیروی از سیاست متمایز برای گفت‌وگو در میان دوستان و دشمنان معرفی می‌کرد (Funsch, 2015: 16). در واقع، مذهب اباضیه به فرهنگ تحمل و تساهل در کشور عمان منجر شد و مدارا و احترام متقابل به دیگر کشورها را به اصول راهنمای سیاست خارجی عمان تبدیل کرد (Valeri, 2013: 267-277). پیوند محکمی بین فرهنگ مردم عمان و سیاست خارجی به وجود آمد که از اصول تحمل و احترام موجود در مذهب اباضیه و اجتناب از درگیری‌های ایدئولوژیک یا فرقه‌ای اجماع و مشورت ناشی می‌شود (Hunt & Phillips, 2017: 12). پیروان اباضیه در دوره کنونی از مدافعان وحدت و تقریب مسلمانان و به‌دنبال ارتباط با دیگر کشورها و تسامح در روابط خارجی هستند (Adeli, 2017: 102). بر اساس این اصول، سلطان قابوس در حمله عراق به کویت معتقد بود سیاست خارجی خود را که مبتنی بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین همه کشورهای است، تأیید و همیشه مطابق با این اصول اقدام می‌کنند و در همکاری و دوستی با همه کشورهای می‌کوشند، زیرا می‌خواهند در صحنه بین‌المللی نقشی سازنده داشته باشند (Ministry of Information, 2010: 278). در واقع، چشم‌انداز مدارا و گفت‌وگو به‌عنوان اصول راهنمای سیاست خارجی عمان در پرداختن به همه مسائل سیاست خارجی، این کشور را

به یک دوست برای همه تبدیل کرده است (Foreign Ministry Of Oman, 2021). متأثر از هویت فرهنگی و مدارای موجود در زیست اجتماعی کشور عمان، سلطان قابوس در طول حکومت خود مدام بر فرهنگ احترام، تحمل و هم‌زیستی تأکید می‌کرد. (Singhal, 2012) گفت‌وگو و پذیرش چند فرهنگ‌گرایی همگی در اباضیه و در نتیجه در هویت عمانی نقش اساسی دارند. بنابراین ادامه مسیر مسالمت‌جویانه عمان تا حد زیادی از فراگیر بودن جامعه اباضی تلقی می‌شود. تحت تأثیر مذهب اباضیه، روش میانجیگری مدت‌هاست که در حل اختلافات داخلی بین قبایل، شکایت‌های داخلی و حتی دیپلماسی خارجی اعمال می‌شود. همان روش‌هایی که روند میانجیگری را در سطح خانوادگی یا قبیله‌ای هدایت می‌کنند، در دیپلماسی بین‌المللی عمان نیز اعمال می‌شود. (Meirss, 2018) گفت‌وگو عنصر اصلی در پرداختن به همه مسائل داخلی و خارجی است (Foreign Ministry of Oman, 2020). از این‌رو، با وجود اینکه تحلیلگران بی‌شماری سیاست خارجی عمان را نتیجه اعتدال و میانه‌روی سلطان دانسته‌اند، اما کمتر به این موضوع توجه شده است که اعتدال و میانه‌روی یکی از اصول مورد توجه مذهب اباضیه است. این بدین معنا است که سلطان قابوس به‌عنوان پادشاه این کشور سیاست خارجی عمان را براساس شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که برای عمان ماهیتی وجودی دارد تعریف و تنظیم کرده است که یکی از این موارد میانه‌روی در به‌کارگرفتن مواضع است که ریشه در هویت مستقل و متمایز باضی عمانی‌ها دارد (Karami, 2017: 140 & Došt Mohammadi). پادشاه عمان به دور از نگاه افراطی خشونت‌بار فرقه‌ای، تحت تأثیر مذهب اباضیه سعی کرده است با درپیش گرفتن سیاست خارجی تساهل‌گرایانه ضمن گسترش ارتباطات خود راهکاری برای این مسائل پیدا کند (Akraminia, 2020:293 & Biuck) ساخت منحصر به فرد هویتی کشور عمان، خود سبب تسهیل بسیاری از ابتکارهای دیپلماتیک و ایفای نقش میانجی این کشور شده و تنوع هویتی، ظرفیت بالقوه‌ای را برای این کشور برای ایفای نقش میانجیگری در بحران‌های منطقه‌ای فراهم کرده است (Al-ghbrai, 2011). عمان رویکردی معتدل در خاورمیانه دارد (Cafiero, 2020). این موضوع امکان تعامل عمان با همسایگان خود و همچنین حفظ روابط خوب با ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را فراهم کرده است (Jones, 2014: 2). بر اساس ماده ۱۰ قانون اساسی عمان، تقویت پیوندهای همکاری و دوستی با همه

کشورها و مردم براساس احترام متقابل، منافع مشترک، مداخله نکردن در امور داخلی دیگر کشورها در شمار اصول سیاست خارجی عمان قرار گرفته است (Oman's Constitution, 1996). بر اساس این اصول، عمان در تنظیم سیاست خارجی خود دو اصل مهم مداخله نکردن در امور دیگر کشورها و پایبندی به اصل بی طرفی را سرلوحه اقدامات خود قرار داده است (Lacey, 2009: 32). علاوه بر این، اعتقاد به گفت‌وگو و حل و فصل مسالمت‌آمیز نیز در سیاست خارجی عمان کاملاً مشهود است (Baabood, 2020). سلطان قابوس معتقد بود که همکاری و دوستی براساس زمینه‌های مشترک ثبات و امنیت در خاورمیانه را به همراه دارد، زیرا منطقه باید پایه‌های محکمی برای همکاری براساس توافق همه طرف‌ها ایجاد کند (Ministry of Information, 2010). در نتیجه، دیپلمات‌های عمانی تلاش کرده‌اند تا به بازیگران سراسر خاورمیانه در یافتن راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز برای بحران‌های منطقه‌ای کمک کنند. موقعیت عمان به‌عنوان جزیره‌ای بی طرف در منطقه ناآرام، مدت‌هاست که مسقط را به پل دیپلماتیک معتبری میان قطب‌های درگیر در خاورمیانه تبدیل کرده است (Cafiero, 2020). بی طرفی دیپلماتیک عمان حتی در رویدادهای بسیار مهمی مانند اختلاف ایران و عربستان، اعراب و اسرائیل و تحولات پس از سال ۲۰۱۰ در کشورهای عربی ادامه داشته است. پس از فوت سلطان قابوس، پژوهشگران مطالعات خاورمیانه پرسش‌های متعددی در زمینه امکان یا امتناع پادشاه جدید در تداوم رویکرد متعادل عمان در سیاست خارجی مطرح کردند. به نظر می‌رسد با توجه به مانایی ساختارهای حکومتی عمان و مهم‌تر از آن بقای ساختار متکثر اجتماعی و تنوع هویتی این کشور همچنان الگوی سیاست خارجی بی طرفی را تداوم بخشیده است (Foreignpolicy, 2020). پس از به قدرت رسیدن سلطان هشتم، او نیز از سیاست‌های مشابه قابوس حمایت کرده یا سیاست‌های منطقه‌ای عمان را تغییر نداده است (Katzman, 2020: 8). پس از فوت سلطان قابوس، هشتم بن طارق پادشاه جدید عمان اعلام کرد که سیاست خارجی دوستانه و مسالمت‌آمیز این کشور در قبال کشورهای دیگر همچنان تداوم خواهد یافت (Foreignpolicy, 2020).

۸. اقدام در سیاست خارجی عمان

پس از تعیین اولویت‌های یک کشور، اقدامات واقعی سیاست خارجی باید تنظیم شود تا اولویت‌ها تحقق یابند. در این مرحله است که سیاست خارجی یک کشور به‌عنوان اقدامی

مشخص شناخته می‌شود. بر این اساس، تحت تأثیر مؤلفه‌های هویتی کشور عمان، این امکان میسر شده است که روند حل و فصل برخی از منازعات خاورمیانه از مسقط آغاز شود. این کشور نه یک دولت سنی است و نه شیعه. این موضوع به این کشور اجازه می‌دهد میزبان مذاکرات مقدماتی برای درگیری‌های منطقه‌ای باشد. عمان برای سازماندهی موفقیت‌آمیز این مذاکرات از وضعیت اباضی خود استفاده می‌کند.

۸-۱. سیاست عمان در قبال مسئله ایران و عربستان

پس از دهه ۱۹۸۰ روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی بیش از هر چیز با مفهوم رقابت هویتی تبیین پذیر است (Mabon, 2016: 4). رویکرد عربستان سعودی در تحولات یمن، سوریه و بحرین حاکی از آن است که این کشور ایران را دشمن خود می‌داند (Ceriola, 2018:300)؛ عناصر هویتی دو کشور، عاملی مهم در روابط بین ایران و عربستان است و هر دو کشور یکدیگر را به‌عنوان رقیب ایدئولوژیک نگاه می‌کنند (Fürting, 2002: 106). در این شرایط، در بستر تساهل اجتماعی موجود در عمان، زبان عربی سبب تعریف این کشور به‌عنوان کشوری عربی و گرایش به عربستان سعودی شده است و بارها سلطان قابوس اعلام کرد که بخشی از ملت عرب هستند (Ministry of Information, 2010:105-106)، اما از سویی، اعراب منطقه نگاه مثبتی به مذهب اباضیه ندارند (parvin & Jalalpur, 2015:81). عمان تلاش کرده است هرگونه تلاش برای تأثیرگذاری یا هدایت سیاست خود را رد کند، چون سیاست خارجی آن از منافع این کشور ناشی می‌شود (Ministry of Information, 2010: 105-106). به دلیل وجود شیعیان اسماعیلیه و ایرانیان بلوچ در این کشور (Wehrey & et al, 2009:28) و روابط نزدیک اباضیه با شیعیان، عمان کوشیده است در اختلافات میان ایران و عربستان سعودی ضمن دوری از گرایش به اتحاد با یکی علیه دیگری، سیاست میانجیگری را در پیش گیرد. با وجود هویت عربی، روابط با ایران براساس نوعی نگاه موازنه هویتی در مقابل عربستان تعریف می‌شود (Katzman, 2016: 18). رفتار عمان با ایران ناشی از این واقعیت است که عمان ایران را تهدیدی برای ثبات و وحدت ملی خود ندیده است (Saeed, 2014). متأثر از مؤلفه‌های پیش گفته‌شده، عمان پس از پایان جنگ در سال ۱۹۹۱ میزبان نشست بود که روابط دیپلماتیک ایران و

عربستان را بازسازی کند (Al-Khafaji, 2018). در حالی که پس از تحولات سال ۲۰۱۰ روابط دیپلماتیک میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی، یکی از بدترین دوران را تجربه کرده است (Rieger, 2013: 23). عمان همچنان روابط پایدار خود را با ایران حفظ کرده و تنها کشور عضو شورا است که در سال ۲۰۱۶ از سیاست‌های عربستان تبعیت نکرد و روابط خود را با ایران کاهش نداد (Cafiero & Yefet, 2016). رهبران عمان معتقدند که مشارکت ایران در مسائل منطقه‌ای بر مقابله با ایران ارجحیت دارد. برخی سفرهای حسن روحانی در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ به عمان، کوششی بوده است برای آغاز گفت‌وگو میان ایران و اعضای شورای همکاری خلیج فارس (Aljazeera, 2020). همچنین در حالی که پیشنهاد تشکیل اتحادیه شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۱ ارائه شده بود، وزیر امور خارجه، یوسف بن علوی با ابراز مخالفت صریح مسقط با ایده ارتقای شورای همکاری خلیج فارس به یک اتحادیه، گفت عمان «علیه اتحادیه» است (Bayoumy, 2016). در جریان نشست امنیت خلیج فارس در دسامبر ۲۰۱۳، عمان اعلام کرد که در صورت تبدیل شدن شورای همکاری خلیج فارس به یک اتحادیه این کشور حتی ممکن است از آن خارج شود. این اعتراض قاطع به ویژه با توجه به رویکرد دیپلماسی نرم عمان بسیار شگفت‌آور بود. این کشور در حالی که روابط خود را با ایران گسترش می‌دهد، همچنان به عنوان یک عضو شورای همکاری خلیج فارس باقی مانده است (Cafiero & Yefet, 2016) زیرا از دیدگاه رهبران عمان، ما به عربی بودن خود افتخار می‌کنیم، ولی آنچه در سیاست خارجی خود در پی آن هستیم ایجاد صلح است. آرزوی ما برای صلح از احساس ضعف ناشی نمی‌شود، ما با همه توان از کشور خود دفاع خواهیم کرد (Ministry of Information, 2010).

۲-۸. رویکرد عمان در قبال بحران قطر

بهار عربی حرکتی بود که از تونس آغاز شد و سراسر جهان عرب را متلاطم کرد (Masoud, 2015: 75-76). این پدیده دوره جدیدی را در تاریخ خاورمیانه آغاز و توازن قوا و همه معادلات را در سراسر خاورمیانه تغییر داد (Bilgin, 2018: 120). در قبال تحولات بهار عربی، سیاست خارجی کشورهای خلیج فارس را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی کرد؛ کشورهای «قاطع» که

سعی می‌کنند حوزه نفوذی فراتر از قدرت خود ایجاد کنند و کشورهایی که از ابتکار عمل در مسائل منطقه‌ای پرهیز می‌کنند. امارات متحده عربی، قطر و عربستان سعودی کشورهایی هستند که در رفتارهای سیاست خارجی خود قاطعانه عمل می‌کنند. این سه کشور را می‌توان به «خواستار وضع موجود» و «تجدیدنظرطلب» تقسیم کرد. دولت‌های ریاض و ابوظبی همه ابزارهای سیاست خارجی را برای حفظ وضع موجود در منطقه به‌ویژه در بهار عربی بسیج کردند، اما دولت دوحه با کنارزدن جنبش‌های مردمی، سیاست خارجی تجدیدنظرطلبانه‌ای را در پیش گرفت (Sadiki, 2015: 5). در تحولات موسوم به بهار عربی، عربستان سعودی کوشید سیاست‌های خود را به قطر تحمیل کند، دوحه نیز منافع مستقل خود را پیگیری کرد و سیاست خارجی مستقل از عربستان را به کار گرفت. قطر در نظر داشت به کشور قدرتمندی در عرصه منطقه‌ای یا حتی جهانی تبدیل شود و این خود مستلزم رقابت با عربستان سعودی در گستره ژئوپلیتیکی خاورمیانه بود (Haykel, 2013: 2). رقابت میان عربستان سعودی و قطر سرانجام در قالب تحریم و قطع روابط و عربستان سعودی، بحرین و امارات متحده عربی به همراه مصر با قطر و به دنبال آن محاصره زمینی، دریایی و هوایی قطر نمود یافت (Otoole, 2017). در هنگامه این بحران دیپلماتیک که بیشتر اعضای شورای همکاری خلیج فارس، قطر را محاصره کرده بودند، عمان به همراه کویت از پیوستن به دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس خودداری کرد، زیرا براساس آموزه‌های مکتب اباضیه، این کشور هر نوع درگیری میان مسلمانان را نوعی تراژدی برای جهان اسلام تلقی می‌کند و از مدافعان جدایی جامعه اسلامی و وحدت صفوف، اجتماع امت و یکی بودن بنیادهای اسلامی است. (Adeli, 2017) یوسف بن علوی، وزیر امور خارجه عمان در ۵ ژوئن در سفر خصوصی که پیش از قطع روابط چندین کشور عربی با قطر برنامه‌ریزی شده بود به دوحه رفت. به نوشته روزنامه ناسیونال، مقامات دوحه از همتایان خود در مسقط خواستار کمک و میانجیگری در حل این اختلاف شدند و عمان نیز با این درخواست موافقت کرد (The National News, 2017). تصمیم سیاسی عمان در مورد این بحران را می‌توان از مصاحبه یوسف بن علوی با شبکه دویچه‌وله آلمان دریافت. بن علوی در این مصاحبه اطمینان داد که کشور عمان از ابتکار کویت برای حل اختلاف میان عربستان و قطر حمایت می‌کند (Omanobserver, 2019).

۳-۸. عمان و مسئله فلسطین

استقلال سیاست خارجی عمان در نگرش آن به اسرائیل و درگیری اعراب و اسرائیل بسیار مشهود بوده است. برخلاف بیشتر کشورهای عربی، عمان از معدود کشورهایی است که پس از امضای پیمان صلح کمپ دیوید روابط خود را با مصر قطع نکرد. عمان همیشه به حق مصر برای رسمی کردن روابط کامل با اسرائیل احترام گذاشت (Cafiero, 2020) و اعلام کرد شاهد اولین قدم تشویقی در راه صلح در خاورمیانه بودیم. ما از هر ابتکار انجام شده توسط هر رهبر عربی که احتمالاً به این هدف (صلح) می‌رسد، به شدت حمایت می‌کنیم (Ministry of Informa-tion, 2010: 123). تشکیل کنفرانس صلح مادرید در اکتبر ۱۹۹۱ و امضای توافق نامه اسلو^۱ بین سازمان آزادی بخش فلسطین^۲ و اسرائیل در سپتامبر ۱۹۹۳ برای عمان زمینه دیپلماتیکی فراهم کرد تا روابط محدود تجاری، سیاسی و نظامی را با اسرائیل آغاز کند. در میانه دهه ۱۹۹۰، عمان در ایجاد پل دیپلماتیک با اسرائیل نقش اصلی داشت. پادشاه عمان پس از انعقاد پیمان کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل و پیمان صلح ۱۹۷۹ در نشست مارس ۱۹۷۹ اتحادیه عرب شرکت نکرد؛ در حالی که مصر از این اتحادیه اخراج شده بود و در عوض تلاش کرد، مصر را به جامعه عرب بازگرداند (Lefebvre, 2009: 101). عمان اولین کشور میزبان رسمی نخست وزیر اسرائیل بود و در سال ۱۹۹۴ به همراه دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از تحریم اقتصادی علیه اسرائیل چشم‌پوشی کرد؛ بعد از ترور اسحاق رابین،^۳ در آوریل ۱۹۹۶ شیمون پرز^۴ را میزبانی کرد (U.S. Department of State, 2007)؛ گرچه با انتفاضه دوم در سال ۲۰۰۰ عمان روابط خود را با اسرائیل کاملاً قطع کرد، در سال ۲۰۰۲ از طرح صلح ملک عبدالله حمایت کرد. در سال ۲۰۰۸ یوسف بن علوی با همتای اسرائیلی خود تزیپی لیونی^۵ در قطر دیدار کرد (International Review, 2019). در سال ۲۰۱۹، دولت عمان به طور جدی تلاش می‌کرد فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها را به برگزاری مذاکرات صلح سوق دهد. سلطان قابوس

1. Oslo
2. Palestine Liberation Organization (PLO)
3. Yitzhak Rabin
4. Shimon Peres
5. Tzipi Livni

در این منازعه بر به کارگرفتن یک موقعیت عملی تر و کاربردی تر برای حل این درگیری پایدار اصرار داشت (Albasoos & Maashanib, 2020: 161). در ۲ ژوئیه ۲۰۱۹، یک مقام اطلاعاتی اسرائیل در کنفرانس عمومی گفت اسرائیل دفتر نمایندگی خود را در عمان ایجاد کرده است. مقامات وزارت خارجه اسرائیل این ادعا را تأیید یا تکذیب نکردند (Times of Israel, 2020). بعد از فرایند عادی سازی روابط میان کشورهای عربی خلیج فارس با اسرائیل، گمانه زنی هایی مبنی بر اینکه عمان نیز به زودی رویکردی همانند امارات متحده عربی در پیش می گیرد به سرعت گسترش یافت، زیرا به نظر می رسد به عنوان یک کشور میانه روی عربی از شرایط مناسبی برخوردار است تا به سمت عادی سازی روابط با اسرائیل سوق پیدا کند، اما برخلاف این تحلیل، مقامات عمان اعلام کردند از سطح کنونی روابط با اسرائیل راضی هستند (Reuters, 2020). این اعلام موضع مبین موضع میانه عمان در قبال تحولات اعراب و اسرائیل است و نوعی میانه روی در قبال این مسئله محسوب می شود.

۹. نتیجه

سیاست گذاری، تدوین و اجرای سیاست در خلأ صورت نمی پذیرد و در جهت گیری سیاست خارجی کشورهای مختلف در عرصه سیاست بین الملل عوامل و عناصر متعددی درگیر هستند و بر ایند عوامل مختلف رویکرد نهایی کشورها را در قبال موضوعات جهانی یا منطقه ای معین می کند. از این رو، تحلیل اقدامات بازیگران مختلف بدون توجه به عرصه های تکوین سیاست خارجی اگر نه غیر ممکن، حداقل دقیق نخواهد بود. یکی از مهم ترین بسترهای تکوین سیاست خارجی کشورهای مختلف، بستر اجتماعی و هویتی است که موجب می شود کشورهای مختلف، انتخاب رویکردی خاص را بر رویکردهای دیگر ترجیح دهند. در زمینه رویکرد منحصر به فرد سیاست خارجی عمان در مقایسه با کشورهای عربی خلیج فارس نیز می توان با تحلیل عوامل و عناصر هویتی این کشور و تعیین رابطه این عوامل هویتی و الگوی خاص رفتاری به ادراکی ژرف تر و دقیق تر از سیاست خارجی این کشور رسید. در میان عناصر مقوم هویتی در کشور عمان، مذهب این کشور همانند دیگر کشورهای موجود در منطقه خاور میانه از تأثیرگذارترین عناصر در جهت گیری سیاست خارجی است.

در عمان مذهب اباضیه هرگز خود را در مقام تحمیل به دیگر مذاهب قرار نداده است و مذاهب مختلف در انجام امور مذهبی آزادی نسبی دارند. این تساهل نوعی هویت اجتماعی به ساکنان عمان حتی پیش از شکل‌گیری دولت مدرن داده و پس از تأسیس دولت مدرن نیز تداوم یافته است. در این بستر اجتماعی، پس از به قدرت رسیدن سلطان قابوس، او ضمن تلاش برای ساخت کشوری مدرن و هویت مستقل ملی بر مدار شخص پادشاه برای جذب هویت‌های فروملی در هویت مدرن ملی و نوعی وحدت در عین کثرت و حفظ استقلال اقلیت‌ها و تساهل رفتاری نسبت به آنان تلاش کرده است. ترجمان این کثرت‌گرایی در اصل بی‌طرفی و درگیر نشدن در اتحاد کشورهای مختلف خاورمیانه علیه یکدیگر و همچنین در بی‌طرفی در بحران روابط ایران و عربستان، عربستان و قطر، اعراب و اسرائیل تجلی یافته است.

References

1. Adeli, M. (2017). Investigating the status of Ibadi flow in the contemporary period, Regional research, pp 83- 116. [In Persian]
2. Al-Basoos, H. & Maashani M. (2020). Oman's diplomacy strategy: Maneuvering tools to face regional challenges, Research in Business & Social Science, Vol 9, No 2, pp 152-163.
3. Al-Basoos, H, Mohammed Ali, Z & Alhasni, A. (2020). The Nature of Oman's Relations with Iran, Sultan Qaboos University, Journal of Arts & Social Sciences, pp. 5-14.
4. Al-Ghbrai, Ismail Bin Saleh. (2011). Omani identity in the Carriage scales, Alfalaq magazine, Issue XII, at: www.alfalq.com/?p=2227, Accesses on: 22 February 2021
5. Al-Ismaili, A. (2018). Ethnic, Linguistic, and Religious Pluralism in Oman: The Link with Political Stability, AlMuntaqa, pp. 58-73.
6. Al-Jahdhami, S. (2017). Zadjali: The dying language, International Journal of Language and Linguistics, Vol. 4, No. 3, pp. 49-59.
7. Aljazeera. (2020). In 2020, diplomacy in the Gulf may be easier to achieve: at: <https://www.aljazeera.com/opinions/2020/1/21/in-2020-diplomacy-in-the-gulf-may-be-easier-to-achieve/>. Accesses on: 24 February 2020.
8. Al-Khafaji, H. (24 February 2018). The Sultanate of Oman and its Policy of Neutrality Toward Iran, at: <http://www.bayancenter.org/en/2018/02/1441>. Accesses on: 22 February 2021.
9. Al-Said, F. (1992). Introduction. In The United Nations Educational Scientific and Cultural Organization (UNESCO) Project to Study the Silk Roads. Muscat, Sultanate of Oman: The Ministry of Heritage and Culture.

10. Al-Yahyai, F. (2013). Samples of identity and its indications in works of Omani artists. In the Ministry of Heritage and Culture (Ed.), *The Omani plastic arts: the reality of practices and approaches of experiments*. Muscat: Oman Press.
11. Al-Yahyai, F. (2017). *The Significance of Omani Identity in the Works of Oman*.
12. Amel S & Nafla S. Kha. (2012). The Sound System of Lawatiyya, *Journal of Academic and Applied Studies*, 2(5): 36-44.
13. Baabood, A. (2020). Qatar, Kuwait, and Oman: The Middle East's, at: https://ecfr.eu/special/battle_lines/oman.
14. Barnett, M. (1999). Culture, Strategy and Foreign Policy Change: Israel's Road to Oslo. *European Journal of International Relations*, Vol. 5, No. 1, pp. 5–36.
15. Basit, N. (2009). White British: dual heritage; British Muslim; young Britons' conceptualisation of identity and citizenship: *British Educational Research Journal*, No. 35, pp. 723–743.
16. Bayoumy, Y. (2016). Iran steps up weapons supply to Yemen's Houthis via Oman, Reuters, 30 October, Retrieved from: <https://www.reuters.com/article/usyemen-security-iran/exclusiveiran-steps-up-weapons-supply-to-yemens-houthis-via-oman-officials-idUSKCN12K0CX> (accessed 12 Jun. 2018).
17. Bhacker, M. (2003). *Trade and Empire in Muscat and Zanzibar: Roots of British Domination*. New York, US: Routledge.
18. Bilgin, A. (2018). Relations between Qatar and Saudi Arabia After the Arab Spring, *Contemporary Arab Affairs* 113–134.
19. Billig, M. (1995). *Banal Nationalism*, London: Sage.
20. Biuck, M & Akraminia, M. (2020). Explaining the Role of Geopolitical Factors in Oman's Foreign Policy, *Human Geography*

- Research Quarterly, Volume 53, Issue 1, pp 283-305. [In Persian]
21. Bloom, W, E. (1993). *Personal Identity, National Identity and International Relations*. Cambridge: Cambridge University Press.
22. Brewer, M. B. (2001). Ingroup identification and intergroup conflict. When does ingroup love become outgroup hate? In R. D. Ashmore, L. Jussim, & D. Wilder (Eds.). *Social identity, intergroup conflict, and conflict reduction* (pp. 17-41). New York: Oxford University Press.
23. Brysk, A, Craig P, & Wayne S. (2002). After Empire: National Identity and Post-Colonial Families of Nations. *European Journal of International Relations*, Vol. 8, No. 2, pp. 267–305.
24. Cafiero, G & Yefet, A. (2016). Oman and the GCC: A Solid Relationship?, at: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/mepo.12216>.
25. Cafiero, G. (2020). Oman plays it safe on Israel, Middle East Institute, at: <https://www.mei.edu/publications/oman-plays-it-safe-israel>.
26. Carlsnaes, W. (1987). *Ideology and Foreign Policy: Problems of Comparative Conceptualization*. Oxford: Basil Blackwell.
27. Cerioli, L. (2018). Roles and International Behaviour: Saudi–Iranian Rivalry in Bahrain’s and Yemen’s Arab Spring, *Contexto Internacional*, pp. 294-317.
28. Dziekan, M. (2008). *Dzieje kultury arabskiej: Warszawa*. at: <https://lubimyczytac.pl/ksiazka/77970/dzieje-kultury-arabskiej>. Accessed on: 20 February 2021.
29. Embassy of the Islamic Republic of Iran. (2020). About Oman” Culture”: <https://oman.mfa.gov.ir/portal/GeneralCategoryServices/5196>. [In Persian]
30. Karami, A & Dost Mohammadi A. (2017). *Geopolitical Analysis*

- of Iran and Oman Relations Before and After the Islamic Revolution, International Quarterly Of Geopolitics, Volume 12, Issue 43, pp121-151. [In Dawn, Ch & John, P. (2001). "Oman," in Melvin Ember and Carol R. Ember, eds, Countries and their Cultures New York: Macmillan, 31. Eickelman, CH. (1984). Women and Community in Oman. New York: New York University Press.
32. Foreign Ministry Of Oman. (2021). Foreign policy, at: <https://fm.gov.om/about-oman/government/constitution/>.
33. Foreign Ministry Of Oman. (2020). Principles, at: <https://fm.gov.om/policy/principles/>.
34. Foreign policy. (2020). why Oman Loves Iran, at: <https://foreignpolicy.com/2020/01/16/sultan-qaboos-oman-loves-iran-shah/>. Accessed on: 22 February 2021.
35. Funsch, L. P. (2015). Oman Reborn: Balancing Tradition and Modernization. New York: Palgrave Macmillan.
36. Fürtig, H. (2002). Iran's Rivalry with Saudi Arabia between the Gulf Wars. Reading, UK: Garner Publishing Limited.
37. Ghubash, H. (2006). Oman – The Islamic Democratic Tradition. New York: Routledge.
38. Goldsmith, L. (2015). Immunizing Against Sectarian "Sickness": The Case of Oman: Middle East Institute, at: https://www.mei.edu/publications/immunizing-against-sectarian-sickness-case-oman#_ftn7
39. Hammond, P. (1988). Religion and the persistence of identity. Journal for the Scientific Study of Religion, Vol. 27. No. 1, pp.1-11.
40. Haykel, B. (2013). "Saudi Arabia and Qatar in a Time of Revolution." Center for Strategic and International Studies (CSIS).
41. Hewstone, M., Rubin, M., & Willis, H. (2002). Intergroup bias. Annual Review of Psychology, No. 53. at: <https://www.annualreviews.org/doi/>

- abs/10.1146/annurev.psych.53.100901.135109?journalCode=psych.
Accesses on: 25 February 2021.
42. Higgins, M & Eicher, J. (1992). Dress and Identity, Clothing and Textile Research Journal, pp. 1-8.
43. Hilal, N. (2020). Sultanate of Oman's Foreign Policy: Pragmatic but Ethical, Global Scientific Journals, Volume 8, Issue 10 pp 1982-1992.
44. Hoffman, V. (2015). Ibadism: History, Doctrines, and Recent Scholarship, Religion Compass, Vol. 9, No. 9, pp. 297-307.
45. Hopf, T. (2002). Social Construction of International Politics: Identities and Foreign Policies, Moscow, 1955-1999. Ithaca, NY: Cornell University Press.
46. Hunt, J., & Phillips, S. (2017). Becoming a 'Positive Outlier': A Case Study of Oman. The Developmental Leadership Program (DLP). Birmingham: UK: University of Birmingham. Retrieved April 15, 2019, from http://publications.dlprog.org/Oman_Hunt_Phillips.pdf.
47. International Review. (2019). The Israeli Connection: Oman's Foreign Policy, at: <https://www.international-review.org/the-israeli-connection-omans-foreign-policy-part-4/>. Accesses on: 12 February 2021.
48. Jepperson, L., Alexander, Wendt, and Peter, K. (1996). Norms, Identity, and Culture in National Security. In The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics, edited by P. J. Katzenstein. New York: Columbia University Press.
49. John, W. (2010). Ibadism: Origins and Early Development in Oman (New York: Oxford University Press).
50. Jones, J. (2014). Oman's Quiet Diplomacy. Norwegian Institute of International Affairs, pp. 1-6.
51. Katzman, K. (2016). Oman: Reform, Security and U. S. Policy, CRS

Report for Congress, Prepared for Members for Committees of Congress.

52. Katzman, K. (2020). Oman: Politics, Security, and U.S. Policy, Congressional Research Service.

53. Kharusi, N. (2013). Identity and Belonging among Ethnic Return Migrants of Oman, *Nationalism and Ethnic Politics*, pp. 424-446.

54. Kubálková, V. (2011). *International Relations in a Constructed World*. London and New York: Routledge Taylor & Francis.

55. Lacey, R. (2009). *Inside the Kingdom: Kings, Clerics, Modernists, Terrorists and the Struggle for Saudi Arabia*. New York: Viking.

56. Lefebvre, A. (2009). Oman's Foreign Policy in the Twenty-First Century, Annual Meeting of the International Studies Association, New York City, (February 15-18), 2009. 99-114.

57. Lewicki, T. (1971). The Ibadites in Arabia and Africa, *Journal of World History*, No. 13, pp. 3–81.

58. Lewis, B. (1998). *The multiple identities of the Middle East*. London: Orion Books.

59. Liu, G & Turner, D. (2018). Identity and national identity, *Educational Philosophy and Theory*: 1080-1088.

60. Luciani, G. (1988). Economic Foundations of Democracy and Authoritarianism: The Arab World in Comparative Perspective, *Arab Studies Quarterly*, pp. 457-475.

61. Mabon, S. (2016). *Saudi Arabia and Iran: Power and Rivalry in the Middle East*. London: IB Tauris.

62. Martinez, A. (2019). Researching Dress and Identity in Saudi Arabia: – ‘What a strange power there is in clothing’ – Isaac Bashevis Singer, at: <https://www.asfar.org.uk/researching-dress-and-identity-in-saudi-arabia-what-a-strange-power-there-is-in-clothing-isaac-bashevis-singer/>. Accessed on: 28 February 2021.

63. Masoud, T.)2015(. “HastheDoorClosedonArabDemocracy?”Journal of Democracy, Vol. 26, No.1, pp. 74–87.
64. McCall, J., & Simmons, L. (1966). Identities and Interactions. New York: The Free Press.
65. Meirss. (2018). Interfaith Diplomacy in the Middle East: Is Oman an Anomaly? http://www.meirss.org/interfaith-diplomacy-middle-east-oman-anomaly/#_ftnref6.
66. Ministry of Information. (2010). The speeches and speeches of His Majesty Sultan Qaboos bin Said 1970 -2010. Muscat: Oman [In Arabian].
67. Neubauer, S. (2016). Oman: The Gulf’s Go-Between. Washington D.C.: The Arab Gulf States Institute in Washington (AGSIW). Retrieved April 02, 2019, at: <https://agsiw.org/oman-the-gulfs-go-between/>. Accesses on: 20 February 2021.
68. Omanobserver. (2019). Alawi reaffirms Oman’s stance on ME peace: at: <https://www.omanobserver.om/alawi-reaffirms-omans-stance-on-me-peace/>.
69. Oman’s Constitution. (1996). constituteproject.org at: https://www.constituteproject.org/constitution/Oman_2011.pdf?lang=en.
70. Otoole, M. (2017). What is Oman’s stance on the Qatar-Gulf crisis? Aljazeera: <https://www.aljazeera.com/news/2017/12/1/what-is-omans-stance-on-the-qatar-gulf-crisis>.
71. Parvin, F &Jalalpur, SH. (2015). Iran and Oman, from Zofar to Barjam. Qom: Abolhassani Press. [In Persian]
72. Peterson, J. (2004 a). Oman: Three and a Half Decades of Change andc Development. Middle East Policy, 11(2), 125-137.
73. Peterson, J. (2004 b). Oman’s Diverse Society: Southern Oman, Middle East Journal: 255-269.

74. Reuters. (2020). Oman content with current Israel relationship, foreign minister says, at: <https://www.reuters.com/article/us-oman-politics-idUSKBN2AB1XB>
75. Rieger, R. (2013). The Foreign Policy of the Persian Gulf Monarchies from 1971 to 1990.
76. Rutherford, J. (1990). Identity: Community, Culture, Difference: Lawrence & Wishart.
77. Sadiki, L. (2015). The Impact of the Arab Spring on the Gulf Cooperation Council. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*: 1-18.
78. Saeed, B. (2014). Oman, Iranian Rapprochement and a GCC Union, Aljazeera: at: <https://studies.aljazeera.net/en/reports/2014/01/20141218365065800.html>. Accessed on: 22 February 2021.
79. Sen, A. (2007). Identity and violence: The illusion of destiny. Penguin Books India
80. Shehri, M. (2006). A Native Omani Language Under Threat, at: <https://www.atheer.om/en/39607/shehri-a-native-omani-language-under-threat/>. Accessed on: 26 February 2021.
81. Sherwood, L. (2017). Foreign Policy Trends in the GCC States: Understanding Oman's Foreign Policy. Oxford: Oxford Gulf & Arabian Peninsula Studies Forum.
82. Singhal, R. (2012). The Religion of Oman — Ibadism. *Lesser-known Religions*. at: <https://lesserknownreligions.wordpress.com/2012/12/21/ibadism-the-religion-of-oman/>. Accessed on: 22 March 2021.
83. Smurda, J. D., Wittig, M. A. & Gokalp, G. (2006). Effects of threat to a valued social identity on implicit self-esteem and discrimination, *Group Processes & Intergroup Relations*, No. 9, pp.181–197.
84. Szalai, M. (2018). The Island of Stability? Oman Amidst the

Challenges of Succession, Socio- Economic Development, and Regional Instability. Budapest: Institute for Foreign Affairs and Trade: KKI Policy Brie

85. Tajfel, H. (1981) Human groups and social categories: studies in social psychology. Cambridge: Cambridge University Press.

86. The National News. (2017). Kuwaiti emir and King Salman meet over Qatar crisis as Trump backs UAE and Saudi, at: <https://www.thenationalnews.com/world/kuwaiti-emir-and-king-salman-meet-over-qatar-crisis-as-trump-backs-uae-and-saudi-1.82485>. Accesses on: 24 March 2021.

87. Times of Israel. (2020). Mossad chief declares Israel renewing Oman ties; Foreign Ministry won't comment. at: <https://www.timesofisrael.com/israel-renewing-oman-ties-saysmossad-chief>.

88. Turner, R. (1968). The Self-Conception in Social Interaction. In The Self in Social Interaction, edited by C. Gordon and K. J. Gergen. New York: John Wiley & Sons, Inc.

89. U.S. Department of State. (2007). Bureau of Near Eastern Affairs, Oman (profile).

90. Valeri, M. (2007). Nation-building and communities in Oman since 1970: The Swahili-speaking Omani in search of identity. African Affairs, Vol.106, No.424, pp. 479–496.

91. Valeri, M. (2009). Oman: Politics and Society in the Qaboos State (New York, Columbia University Press.

92. Valeri, M. (2010). High Visibility, Low Profile: The SHI–A in OMAN Under SULTAN QABOOS, Middle East Study, pp. 251–268.

93. Valeri, M. (2013). “Domesticating Local Elites: Sheikhs, Walis and State Building Under Sultan Qaboos,” in Regionalizing Oman: Political, Economic and Social Dynamics, ed. S. Wippel, London: Springer,

94. Valeri, M. (2015). *Simmering Unrest and Succession Challenges in Oman*. Washington DC: Carnegie Endowment for International Peace.
95. Wehrey, K., Nader, A., Ghez, J., Hansell, L., & Guffey, A. (2009). *Saudi-Iranian Relationship since the Fall of Saddam: Rivalry, Cooperation, and Implications for US Policy*. RAND Corporation
96. Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.

[In Persian]

97. Zeyae, A, (2018). *History of Ibadi*. Tehran: Amin Press. .[In Persian]
98. Zoalfaghar, M Emami, A & Nasirzadeh, M. (2021). The impact of Oman's mediation diplomacy on the security system in the Middle East, *Journal of Political Research in Islamic World*, pp 169 – 195.